

جنبش دموکراسی و کادر رهبری چین

نوشته: دکتر بهزاد شاهنده استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

برخی از چین شناسان این اقدام «جاء» را تسلیم وی در مقابل رئیس سرسخت خود یعنی «دانگ» تلقی کردند و بر این نظر بودند که «جاء» سیاست اصلاح طلبانه را کنار گذاشته و در مقابل «دانگ» سر تسلیم فرود آورده است. عده ای معتقد بودند که «جاء» با این تاکتیک می خواهد چنین وانمود کند که «دانگ» باعث تمامی مشکلات و نابسامانی های موجود است که در مجموع نظریه دوم به حقیقت نزدیکتر است. «جاء» دبیر کل حزب کمونیست چین اعلام داشت که وی مطمئن است شهروندان چین می توانند تحت رهبری حزب کمونیست از دموکراسی واقعی و آزادی کامل برخوردار شوند ولی اینکار یکشنبه انجام شدنی نیست. «جاء» در این سخنانش ظاهراً از حمایت «گورباچف» برخوردار بود، ولی گورباچف در چین به پشتیبانی صریح از این یا آن نپرداخت ولی در یک کنفرانس مطبوعاتی در چین اعلام داشت که «من مطمئن هستم ما با هم در یک نقطه عطف در تحول سوسیالیسم جهانی شریک هستیم» و ادامه داد که «این روند بسیار دردناکی است ولی بهر حال الزامی است».

تظاهرات ادامه یافت و هر روز شمار بیشتری از اقشار مردم چین به جمع تظاهر کنندگان می پیوستند. حتی اعضای «آکادمی علوم انسانی چین» که از منزلت خاصی در میان روشنفکران کشور برخوردارند با حمل پلاکاردی خواهان کنار گذاردن «لی پنگ» از سمت نخست وزیری چین شدند. تظاهرات دانشجویی به دیگر شهرهای چین نیز سرایت کرده بود و جمعا ۳۴ شهر در جمهوری خلق چین در تب تظاهرات بسر می بردند. دانشجویان دانشگاه پکن و «دانشگاه ارتباطات پکن» بطور مستقیم و بدون هیچ برده بوشی خواستار کنار گیری «دانگ شیائوپینگ» (۷) شدند.

تقاضای دیگر معترضین آزادی مطبوعات بود. مطبوعات چین که خصلت محافظه کاری دارند تحت تاثیر جنبش دانشجویی شروع به درج گزارشات واقع گرایانه ای کردند.

روزنامه نگاران در اعتراض به کنترل حزب بر مطبوعات به سوی سازمان تبلیغاتی حزب کمونیست راهپیمایی کردند و خواستار عدم مداخله این سازمان در کار مطبوعات شدند.

در آغاز تظاهرات دانشجویی در چین، دولت از خود خوشترن داری قابل توجهی نشان داد. درست دو ماه پیش از این سربازان چینی با سلاح های ضد شورش و تهاجمی به مردم تبت حمله کرده و ده ها نفر را در جنبش کوتاه مدت «لهاسا» (۸) به هلاکت رسانده بودند.

معهدا، پس از بازگشت «گورباچف» از چین، دولت چین موضوع سرسختانه تری به خود گرفت. «لی پنگ» در ملاقات با نمایندگان دانشجویان در «تالار بزرگ خلق» اظهار داشت که «خواه از حرفهای من خوشتان بیاید یا نه بهر حال پکن در چند روز گذشته در حالی از آشوب بسر برده... ما نمی توانیم دست روی دست بگذاریم و کاری انجام ندهیم... ما نسبت به مردم چین مسئولیت داریم... ما باید از اموال مردم و جان دانشجویان کشورمان حراست کنیم... ما باید از سیستم سوسیالیستی خود دفاع کنیم» (۹)...

دانشجویان از سخنان «لی» ناخشنود بودند و جالب اینکه یکی از رهبران تراز اول جنبش دانشجویی بنام «وارکای شی» (۱۰) از «لی» به این دلیل که در آمدن به جلسه تاخیر داشته شدیداً انتقاد کرد.

حتی ملاقات «لی» و «جاء» با دانشجویانی که به علت اعتصاب غذا در بیمارستان بستری شده بودند نیز نتوانست در جلوگیری از روند رادیکال تر شدن جنبش توفیقی حاصل کند. برخی از چین شناسان معتقدند که در این مرحله دانشجویان می بایست با دولت و حزب (که در عمل یکی هستند) وارد مذاکره می شدند چرا که در این صورت یقیناً امتیازاتی به دست می آوردند و به علاوه

پس از هفته ها بلاتکلیفی و سردرگمی ناشی از اختلافات شدید درون گروهی، کادر رهبری سالخورده جمهوری خلق چین در سوم ژوئن ۱۹۸۹ به ارتش آزادپخش چین دستور داد تا در تاریکی شب به دانشجویان معترض در میدان «تین آن من» یورش برند. بدین ترتیب بزرگترین و خونین ترین قتل عام تاریخ جمهوری خلق چین پدید آمد.

طغیان اخیر دانشجویان عملاً با اعلام مرگ «خویانوبنگ» (۱۱) هفتاد و سه ساله در ۱۵ آوریل ۱۹۸۹ آغاز شد. «خو» دبیر کل وقت حزب کمونیست چین و جانشین «خاوغونگ» (۱۲) به عنوان مرد اول حزب کمونیست در ژانویه ۱۹۸۷ مورد غضب «دانگ» قرار گرفت چرا که نتوانسته بود جنبش دانشجویان آن زمان را تحت کنترل در آورد و لذا از سمت خود کنار گذاشته شد. مرگ «خو» در آنروز، وی را به عنوان یک قهرمان جلوه گر ساخت و باعث گردید تا دانشجویان، پکن به خیابانهای پایتخت ریخته و خواهان دموکراسی، مبارزه علیه فساد و پارتی بازی شدید مقامات دولتی شده و اصلاحاتی را عنوان نمایند. معترضین درخواستهای بیابای دولت را برای مذاکره ناکام گذارده و از مراجعت به کلاسهای درس امتناع کردند. در روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۹ جنبش اصلاح طلبی دانشجویان با چاپ سر مقاله «روزنامه خلق» که بر همگان مشخص بود بوسیله «دانگ» تهیه و تنظیم شده است، حالت رادیکال تری به خود گرفت. در سر مقاله مزبور آمده بود که جنبش اصالت ندارد، صرفاً برای ایجاد هرج و مرج صورت گرفته و رهبران آن خائن به آب و خاک چین می باشند. دانشجویان خواهان پس گرفته شدن مقاله بوسیله مقامات شدند، درخواستی که در صورت انجام می توانست بی آبرویی غیر قابل وصفی برای «دانگ» بدنبال داشته باشد. عدم قبول این درخواست باعث شد که صدها چینی در اعتراض به سیاستهای دولت دست به اعتصاب غذا بزنند.

زمانی که «میخائیل گورباچف» رهبر اتحاد جماهیر شوروی در ۱۵ ماه مه جهت دیدار تاریخی خود از چین وارد این کشور شد دانشجویان معترض او را یک قهرمان کوچک خوانده و در بومسترهای بزرگی به زبان های روسی و چینی وی را اصلاح طلب واقعی ناسیدند. بازدید رسمی گورباچف از چین و ملاقات او با رهبران چین فصل تازه ای در روابط دو کشور گشود. این اولین بار بود که پس از گذشت سی سال رهبران دو کشور با یکدیگر دیدار می کردند. دانشجویان اصلاح طلب از این رویداد تاریخی بهره برداری نموده و به بزرگترین و وسیع ترین اعتراضات دست زدند. دولت چین به منظور خنثی کردن تظاهرات، «لی پنگ» (۱۳) نخست وزیر را مامور ساخت تا در ملاقاتش با گورباچف این جمله را عنوان نماید که «مردم در کشورهای سوسیالیستی نیز باید از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی برخوردار باشند» و «جاء زی پنگ» (۱۴) دبیر کل حزب کمونیست چین در پیام به دانشجویان معترض، درخواستهای مشروع آنها را مد نظر قرار داد. در نهایت دفتر سیاسی حزب کمونیست چین خطاب به دانشجویان اعلام داشت که از روحیه میهن پرستانه آنان برای مبارزه با فساد و ایجاد حکومتی قانونی و دموکراتیک تجلیل می کند و خواهان ادامه اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور میباشد. این اقدام، عملاً به معنی پس گرفتن سر مقاله ۲۶ آوریل ۱۹۸۹ روزنامه خلق بود.

معهدا در پشت درهای قلعه «جونگ نهای» ۵ محل اقامت رهبران چین، جدال بزرگی میان کادر رهبری در حال تکوین بود. علانمی در دست بود که «دانگ» (۱۵) رهبر دفاکتوی چین در مقابل تظاهرات دانشجویی تغییر موضع نداده، نرمشی نسبت به آن ندارد، و از مقاله ۲۶ آوریل سرسختانه دفاع می کند. «جاء» در یک تاکتیک مرموز به دفاع از «دانگ» پرداخت و تاکید کرد که «دانگ» رهبر پرچمدار مردم چین است و همچنین فاش ساخت که در سال ۱۹۸۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین طی بیانیه ای سری، بر رهبری «دانگ» در تمام مسائل حاد کشوری صحنه گذاشته است.



برسابقه ترین رهبران نظامی کشور و بسیار مورد احترام ارتش می باشد. گزارش های کارشناسان پنتاگون مبنی بر ضعیف بودن اعمال خشونت از سوی سربازان، کاملاً با حقایق منطبق نبود. اعضای ارتش از ادببخش چین عمدتاً از قشرهای پایین جامعه برگزیده میشوند و با آموزشهای سیاسی و ایدئولوژیکی که می بینند سلاحی مطیع در اختیار سیاستمداران می باشند. این گفته مانو که «همیشه قدرت باید در اختیار حزب باشد، قدرت از لوله تفنگ سرچشمه می گیرد و تفنگ هیچ وقت نباید بر حزب حکومت کند» همواره در چین مصداق داشته است.^(۱۱)

دانشجویان کاملاً واقف بودند که با توجه به جنگ ایدئولوژیکی که مدتی با ارتش داشتند بی شک به دست نظامیان سرکوب خواهند شد. دانشجویان فراتر از آن رفته بودند که تظاهرات خود را پایان دهند. درست مثل آن بود که ناخودآگاه پیش میرفتند و به استقبال خطری مسلم و قابل پیش بینی می شتافتند. آنها «دانگ» را مستقیماً مورد انتقاد قرار داده بودند. هر چند آنها اعتقاد داشتند که «دانگ» به خاطر نقشی که در کنار گذاشتن گروه چهار نفری و آغاز اصلاحات در چین داشته و به لحاظ آنکه از مانو دمکرات تر است برای همیشه قابل احترام خواهد بود ولی از سوی دیگر معتقد بودند که او وظیفه اش را انجام داده و به پایان راه خود رسیده..... این راه تاریخ است و «دانگ» دیگر نمی تواند رهبری را در دست داشته باشد.

برخی از دانشجویان پس از هفت هفته تظاهرات خواهان پایان بخشیدن به مبارزات بودند، ولی جمع آنها نمی توانست این مسئله را بپذیرد. به عبارت دیگر تک تک دانشجویان مایل به خاتمه دادن اعتراضات بودند (دست کم اکثریت آنها چنین بودند) ولی مسئله در جمع توده ای آنها حالت دیگری به خود میگرفت و جنبه غیرعقلانی پیدا می کرد.

گرچه «دانگ شیائوپینگ» به میدان «تین آن من» نیامد و بدلیل بیماری به استراحتگاه «بی داخه»^(۱۲) در نقطه ای دور از «پکن» رفت ولی خوب میدانست که چین دیگر چین سابق نیست و تغییرات سطحی اقتصادی و عدم اصلاحات سیاسی باعث بروز فساد دولتی و نابرابریها گشته و نارضایتی شدیدی در میان مردم بخصوص قشر تحصیل کرده ایجاد کرده است. «دانگ» قربانی اصلاحات خود شده بود. هیچ کس نمی تواند کتمان کند که این تک سوار برخاسته از ایالت «سیچوان»^(۱۳) کشورش را از ناپسامانی انقلاب فرهنگی بیرون کشیده و آزادی و رونق اقتصادی نسبی را در کشور حکمفرما کرده است. موفقیتهای «دانگ» بر هیچکس پوشیده نیست و او در تاریخ چین به

کار به واقعه سوم و چهارم ژوئن نمی انجامید. ولی به عللی از جمله دخالت سیاست های خارجی دانشجویان خواستار تغییرات عمده ای در کشور شدند و از آن جمله از «دانگ شیائوپینگ» خواستند از مقام خود کناره گیری نماید چرا که اندیشه اش سامانی ندارد و بایستی برود «بریج» بازی کند! در دیگر شعارها آمده بود: که «به حکومت سالخوردگان پایان دهید» و از همه جالبتر آن که به «دانگ» حمله کرده و ضمن اشاره به شعار معروف او در مورد اصلاحات اقتصادی مبنی بر اینکه «فرقی نمی کند گربه سفید یا سیاه باشد، گربه باید بتواند موش بگیرد» شعار می دادند که «گربه خوب گربه ای است که می داند چه وقت کناره گیری نماید». این شعار با حروف درشت بر روی بلاکاردی در میدان «تین آن من» نقش بسته بود. «جاء زی ینگ» در آخرین تلاش خود خطاب به دفتر سیاسی حزب اعلام کرد که قصد دارد به دیدار دانشجویان در میدان «تین آن من» برود. طبق گزارشات، همکاران وی سعی در ممانعت از وی داشتند، ولی «جاء» اصرار داشت که نه به عنوان یک مقام دولتی و حزبی بلکه فقط به عنوان یک شهروند با دانشجویان گفتگو کند. «جاء» پس از دیدار با دانشجویانی که در یک اتوبوس پناه گرفته بودند با چشمانی گریان خطاب به آنها گفت «شما هنوز جوان هستید، به آینده خود فکر کنید، شما حرفتان حق است ولی حل مشکلات دشوار است و باید روندی برای حل و فصل آنها ایجاد کرد و این کار نیاز به زمان دارد.....» «جاء» می دانست که وقت تنگ است و باتوجه به اختلافات فزاینده در دفتر سیاسی حزب، زمان بضرر دانشجویان پیش می رود ولی در میان دانشجویان گوش شنوایی برای حرف های خود پیدا نکرد.

بزودی روشن شد که اغلب رهبران بلندپایه چین معتقد به دادن امتیاز به دانشجویان معترض نیستند. معهدا شایعانی وجود داشت مبنی بر اینکه دولت تصمیم گرفته است مقاله ای در روزنامه خلق به چاپ برساند و در آن علناً به اشتباه خود در مورد چاپ مقاله ۲۶ آوریل اعتراف نماید ولی بدلائلی این عمل انجام نگرفت. در اینجا است که می توان گفت اگر دانشجویان از خود نرمش نشان میدادند و امتیازاتی را طلب می کردند که در کوتاه مدت قابل حصول باشد، با تمام مقاومتی موجود در داخل کادر رهبری چین باز هم امکان سازش با آنها و جلوگیری از بروز حوادث سوم و چهارم ژوئن وجود میداشت. البته عده ای برعکس معتقدند که اگر «دانگ شیائوپینگ» در میدان «تین آن من» حضور پیدا میکرد و به دانشجویان اعلام میداشت که ندای آنها را شنیده و درخواستهای آنها را مورد بررسی قرار خواهد داد عمل وی مثل آبی بر آتش هیجانات را فرو می نشاند و به قول معروف می توانست کنترل بازی را در اختیار گیرد.

زمانیکه مسئله اخراج «جاء» از دفتر سیاسی مطرح شد فقط خود وی به این پیشنهاد رأی منفی داد. شکست «جاء»- لیبرال ها را از رهبری مسلم ساقط کرد ولی برخی از دانشجویان «وان لی»^(۱۴) رئیس کنگره ملی خلق چین (پارلمان چین) را برای مقام مورد نظر صالح میدانستند، زیرا که «وان» اعلام داشته بود دانشجویان دارای تقاضاها و اعتراضات مشروع میباشد. «وان لی» بعدها در بیان نظرات خود احتیاط بیشتری پیشه کرد و به قافله مخالفان «جاء» پیوست چرا که حداقل برای مدت کوتاهی باد به سمت مخالف «جاء» می وزید.

دانشجویانی که جو حاکم بر رهبری کشور را در مخالفت با خود احساس میکردند، از اعتصاب غذا دست کشیده و از دانشجویان دختر خواستند میدان تین آن من را ترک کنند، زیرا هجوم سربازان را قریب الوقوع می دیدند. «لی پنگ» در غیاب «جاء» که در آن زمان تحت نظر قرار گرفته بود، در جلسه ای خطاب به مقامات رسمی چین گفت: «ما بیش از یکماه از خود بردباری نشان داده ایم..... برخی از دانشجویان رهبری حزب کمونیست را نفی میکنند و از اعتصاب غذا به عنوان اهرمی برای مجبور کردن ما به دادن امتیاز بیشتر بهره می گیرند..... آنها (دانشجویان) می خواهند ما تغییر موضع بدهیم تا خود به ایجاد حزب مخالف اقدام کنند». روز بعد از سخنان «لی پنگ» در پکن حکومت نظامی اعلام شد.

چین شناسان حتی پس از اعلام حکومت نظامی بر این اعتقاد باقی بودند که ارتش به خشونت متوسل نخواهد شد و شایعانی وجود داشت مبنی بر اینکه در ارتش اختلافاتی پدید آمده و مبارزه درون گروهی باعث بروز نوعی بلاتکلیفی در ارتش شده است. ولی برای کسانی که در جامعه چین زیسته و درک درست تری از ارتش آزادبخش چین دارند، روشن بود که ارتش از ادببخش چین نیروئی مطیع در دست رهبران چین بوده و امکان بروز اختلاف در آن بسیار کم است. این بحث به میان آمده بود که «دانگ» به دلیل کاهش نیروهای نظامی چین تا سرحد یک میلیون نفر مثل سابق از حمایت نظامیان چین برخوردار نیست. ولی اگر تحقیق بیشتری انجام میگرفت کاملاً مسلم بود که «دانگ» از

عنوان اصلاح طلبی مبارز شناخته خواهد شد. سالها پیش «دانگ شیائوپینگ» تمایل خود را به بازنشستگی اعلام داشته و طالب برقراری نظم در انتقال رهبری کشور گردیده بود که از طریق آن مسئله جانشینی بطور منظم و مدون حل شود. اگر او به خواست خود جامعه عمل می‌پوشاند، با وضعیتی که امروز با آن درگیر است روبرو نمی‌شد و در تاریخ چین به عنوان مبارزی که بارها در مقابل افراط‌کاری‌های مانو ایستاده و دوبار مورد تصفیه قرار گرفته است شناخته می‌شد.

علیرغم سرکوب دانشجویان بوسیله ارتش (که بعداً بطور مفصل به بحث

دانشجویی چین صد در صد خالص نبوده است. حضور چهل هزار دانشجوی چینی در آمریکا و آثار تبلیغات وسیع در آن کشور و نیز ورود افراد ناپاب به جمع دانشجویان غیر قابل انکار است ولی این هم درست نیست که بخاطر ورود چند دانشجوی وابسته به داخل جمع دانشجویان وطن پرست کل قضیه تخطئه شود و آن را حرکتی ضد انقلابی بنامند.

دلایل ایجاد نهضت عدالت خواهی که متأسفانه به بیراهه کشانده شد و با توجه به جو سیاسی کشور مسیر درستی در پیش نگرفت خود شاهدهی است



● جنبش دانشجویی در چین، انقلاب در رشد انتظارات است. اکنون چین با نسلی از دانشجویان روبروست که در دوران اصلاحات اقتصادی به آگاهی سیاسی رسیده‌اند.

● سیاست‌های شتاب زده «دانگ شیائوپینگ» در زمینه اصلاحات اقتصادی و دریافت تکنولوژی پیشرفته از غرب، باعث بروز مشکلات عظیمی گردید که مدت‌ها چون آتشی در زیر خاکستر پنهان بود.

براینکه جنبش مذکور از خارج طراحی نشده و اگر کسانی برقطار در حال حرکت جنبش سوار شدند، آن مسئله‌ای است از کل جریان و برای روشن تر شدن موضوع باید به این نکته اشاره کرد که سیاست‌های عجولانه «دانگ» در زمینه اصلاحات اقتصادی و دریافت تکنولوژی پیشرفته از غرب، باعث بروز مشکلاتی بس عظیم برای کشور گردید که مدت‌ها مثل آتش زیر خاکستر پنهان بود. سیاست‌های اقتصادی کشور که بدون اصلاحات سیاسی لازم انجام گرفت تغییراتی بسیار سطحی در جامعه ایجاد کرد و به مسائل اقتصادی سیاسی از قبیل بیکاری، تورم، عدم ثبات اقتصادی، ایجاد اختلاف شدید طبقاتی در میان مردم، بیشتر شدن فاصله بین شهر و روستا، بین تکنوکرات و کارگر و بین متخصص و غیر متخصص، فساد فزاینده در کادر دولتی و حزبی، سوء استفاده و پارتی‌بازی شدید، منجر گردید. اعزاز تعداد زیادی دانشجوی به خارج (اکثراً به آمریکا) و جذب نشدن آنها در کارهای مفید، عدم توجه کافی به دانشمندان، احساس فقدان امنیت در میان کادرهای تحصیل کرده و بالاخره انحصار قدرت در دستان چندتن انگشت شمار که در دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین یا به عبارت صحیح‌تر در کمیته اصلی ۵ نفری فعلی دفتر سیاسی کمیته مرکزی حضور دارند، همگی به ثبات کشور و تجانس جامعه لطمه زد. ولی این قشر جوان بود که جلودار نهضت گردید و طولی نکشید که دیگر اقشار مردم به آنها پیوستند، البته همراه با دودلی و ترس. دانشجویان خود را میهن پرست می‌خواندند، خواهان اجرای قانون اساسی ۱۹۸۲ (۱۶) بودند و شدیداً هرگونه آشوب طلبی و بی‌نظمی رامحکوم میکردند. آنها از جامعه فعلی چین عمیقاً ناراضی و خواهان ایجاد تغییرات اساسی در آن بودند. برقراری سیستم تشویق‌های اقتصادی، امکانات جدیدی برای فساد دولتی و پارتی‌بازی به وجود آورده و نا برابر شدیدی را از لحاظ توزیع درآمد در جامعه چین که تا مدتی قبل نسبتاً از آنگ اختلاف در ثروت مردم مبرا بود موجب گردیده بود. انباشت ثروت برای بخش اعظم شهروندان چین بدون داشتن رابطه با مقامات حزبی، ارتشی و دولتی امکان‌پذیر نبود.

گذاشته خواهد شد) جنبش دموکراتیک در مردم چین یا حداقل قشر تحصیل کرده و روشنفکر آن کشور در مدتی کوتاه چنان موجی از آگاهی ایجاد کرد که غیر قابل انتظار بود. براساس فرهنگ سنتی چین که بر سازش میان «بین» و «ینگ» تاکید داشت (۱۵) می‌توان بهترین و بدترین دوران‌ها را در کنار هم برای چین تصور کرد. مسئله این بود که روشهای قدیم هنوز ریشه کن نشده بود در حالیکه روشهای جدید هنوز می‌بایست ریشه می‌گرفتند. سالخوردگان، آرمانگراتر و خواهان آرامش بودند. جوانان آرزوی تغییرات اساسی را داشتند و میان‌سالان که جوانی آنها بدست مانو تباه گردیده بود می‌ترسیدند که بار دیگر قربانی شوند. انقلاب فرهنگی، زخم‌هایی بجای گذاشته که هنوز التیام نیافته است. چینی‌های میان سال هنوز هم این امر را یک معجزه می‌دانند که توانسته‌اند تمام سختی‌های دوره انقلاب فرهنگی را سبزی نمایند، دوره‌ای که طی آن هر فرد چینی می‌ترسید نظرات خود را حتی به نزدیکترین بستگانش ابراز کند، زمانی که چینی‌ها از اینکه در خواب حرفی برخلاف مصلحت روز بزنند در اضطراب بودند، و روزگاری که مردم از افکار خود نیز وحشت داشتند.

ولی علیرغم تمام تلخی‌های دوران مانو، این بار مردم جرات پیدا کرده بودند اعلام کنند که فساد دولتی، حکومت پنج نفره و سوء استفاده از مناصب اداری و حزبی، تورم و بی‌کاری آنها را به ستوه آورده است. بقول معروف هرچه در دل نگهداشته بودند یکباره بیرون ریختند اما با ترس و وحشت و لذا مایل نبودند راه را تا آخر به پیمایند. در این راستا دانشجویان جوان و پرامید تنها ماندند و سرنوشت تاریکی برای خود رقم زدند. جوانان بیشتر خواهان مشارکت سیاسی بودند، ولی حکومت خلق آمادگی آن را نداشت. نسل راه پیمانی بزرگ ۱۹۳۴-۳۵ هنوز هم دوستی قدرت را حفظ کرده است ولی البته نه برای آینده‌ای طولانی. دیگر محافظه کاران کمیته مرکزی کمونیست چین نمی‌توانند آتش روشن شده دموکراسی خواهی را خاموش کنند. در آینده‌ای نه چندان دور اشخاصی مثل «جاء زی ینگ» براریکه قدرت خواهند نشست و پرده آخر نمایش به پایان خواهد رسید. در همین جا باید تاکید کنیم که بدون تردید جنبش

ورسای را از جانب چین امضاء کرده بودند، وادار نمایند^(۱۸). از آن زمان به بعد روز چهارم ماه مه را در چین گرامی می‌دارند و به عبارتی چهارم ماه مه مترادف با مبارزه برای دموکراسی می‌باشد. در ضمن جنبش چهارم ماه مه مثل نسخه بدل خود در کره جنوبی، عملاً جنبشی است در این جهت که دولت را به پاسخ گویی در قبال اشتباهات خود و رفع سیاستهای غلط وادار نمایند. هر چند دولت چین توانست دانشجویان را از میدان تین‌ان من بیرون کند (البته به قیمتی بسیار گزاف که همانا کشتار دههاتن از آنها بود)، ولی نمی‌تواند افکار آنها را از سرشان خارج کند.

از دیگر تقاضاهای دانشجویان اعطای نقش مؤثرتری به روشنفکران بود. به عبارت دیگر دانشجویان خواهان آینده بهتری برای خود بودند. بودجه دانشگاه‌های چین برای تهیه کتابخانه‌های مجهز، آزمایشگاه‌های مدرن و خوابگاه‌های دانشجویی کافی، ناچیز است و درمقایسه با هر نهاد دیگری امکانات کمتری در اختیار دارند و در وضعیت اسفناکی به سر می‌برند. دانشگاه‌های ما در ایران حتی در بدترین شرایط و دورافتاده‌ترین شهرها از تسهیلات بیشتری برخوردارند. زندگی در دانشگاه‌های چین که نگارنده شخصاً آن را تجربه کرده مثل زندگی در زندان است و حتی امکاناتی کمتر از



● ارتش چین يك نیروی وفادار به رهبری، یا به بیان درست‌تر، نیروی فرمانبردار است که از قشرهای بسیار پائین جامعه تشکیل شده و افکار استقلال طلبانه در آن جایی ندارد.

● آنان که در میدان «تین آن من» کشتار به راه انداختند، در حقیقت از گفته مائو پیروی می‌کردند که «قدرت از لوله تفنگ سرچشمه می‌گیرد». ولی آیا کسی که بر بیر ارتش سوار است می‌تواند از آن بیر پائین بیاید و دریده نشود؟

۲- سرکوب و گرایش به راست در حکومت پکن

در جریان جنبش اخیر، اکثریت قریب به اتفاق چین شناسان بر این باور بودند که ارتش آزادبخش چین برای سرکوب جنبش دانشجویی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. حتی برخی به غلط چنین می‌پنداشتند که ارتش دچار تفرقه شده و جناحی از آن به طرفداری از دانشجویان سر بلند کرده است. ولی این اشتباه فاحشی بود زیرا ارتش چین يك نیروی وفادار یا به عبارت صحیح‌تر نیروی فرمانبردار است که از قشرهای بسیار پائین جامعه تشکیل شده و وجود هر گونه افکار استقلال طلبانه در آن مردود است.

پس از هفت هفته بلا تکلیفی، سرانجام روز یکشنبه چهارم ژوئن (ساعت دو صبح) برنامه سرکوب آغاز گردید و ارتش آزادبخش چین به کشتار بی سابقه مردم پرداخت و در ساعت پنج صبح میدان «تین آن من» را از وجود معترضین پاک کرد. روز بعد صلیب سرخ چین در بیانیه‌ای اعلام داشت که ۲۶۰۰ نفر در جریان حوادث یکشنبه به هلاکت رسیده‌اند. ولی گزارشاتی حاکی از آن بود که تعداد کشته شدگان بر مراتب بیشتر از میزان اعلام شده از سوی صلیب سرخ چین میباشد، چرا که اجساد زیادی از میدان خارج شده و به مراکز آتش زدن اجساد انتقال یافته بود^(۱۹). دولت چین بعدها اعلام داشت که رقم تلفات به حدود پنج هزار بالغ میشود.

روز یکشنبه، روزنامه آزادبخش متعلق به ارتش آزادبخش چین در سرمقاله خود به پیروزی بزرگ در برابر انقلابیون شورشی اشاره کرد و نقش ارتش را در این ماجرا يك نقش انقلابی و انجام وظیفه ملی اعلام نمود. کشتار چهارم ژوئن تا حدودی طغیان آوریل ۱۹۷۶ «تین آن من» را تداعی میکند، البته با این تفاوت که در جریان اخیر کشتاری عظیم‌تر به وقوع پیوسته بود. در آوریل ۱۹۷۶ حوادثی که بوقوع پیوست و یا بهتر بگوئیم حمام خونی که براه افتاد، منجر به سقوط «گروه چهار نفری» و بقدرت رسیدن مجدد «دانگ» در دو سال بعد گردید. «دانگ» که نمی‌توانست زجر و نارضایتی مردم را که صدای آن‌ها از خیابانهای پکن به گوش میرسید، تحمل کند، به همان گفته

يك زندان وجود دارد. دانشجویان چینی که با تحمل مشقت فراوان به تحصیل می‌پردازند می‌خواهند زمینه بهتری برای زندگی و فعالیت روشنفکران چین فراهم گردد تا آنها هم بتوانند در آینده از اینگونه مزایا بهره‌مند شوند یا امید داشته باشند که حداقل می‌توانند از عهده خرید کتاب برآیند (استادان دانشگاه حتی برای تهیه کتب با مشکل روبرو هستند چرا که قدرت مالی لازم را ندارند).

انقلاب دانشجویی، انقلاب در رشد انتظارات است. ما هم اکنون در چین با نسلی از دانشجویان مواجه هستیم که در دوران اصلاحات اقتصادی به آگاهی سیاسی رسیده‌اند. دانشجویان معتقدند که باید از اصلاحات انجام شده بهره‌ای داشته باشند ولی عدم برنامه‌ریزی دقیق و نامنجم بودن جنبش باعث شده بود که اغلب دانشجویان ندانند دقیقاً چه می‌خواهند و درست مثل موجی که با فشار موجهای دیگر به پیش می‌رود حرکت میکردند. جالب توجه اینکه برخی از دانشجویان بر سینه‌های خود عکسهای مائو را که بر دکمه‌های بزرگ فلزی چاپ شده بود داشتند بدون اینکه لحظه‌ای بیندیشند که اگر مانو زنده بود چگونه با آنها برخورد میکرد. با اندکی تامل می‌شد دریافت که او شدیداً از این جریان ابراز انزجار میکرد و به مقابله با آن می‌پرداخت. دسته دیگری از دانشجویان کلاه‌های بوقی داشتند که بر روی آن نوشته شده بود «فساد» یا

«فساد دولتی»^(۲۰)، نمودهائی که در تضاد کامل با یکدیگر بودند.

دانشجویان در ارتباط با تحریک بی سابقه خود بر این اعتقاد بودند که قدرت فعلی آنها ناشی از شکستهای بسیار زیادی است که در گذشته متحمل شده‌اند. نهضت دانشجویی در چین به اوایل قرن حاضر برمی‌گردد. روز چهارم ماه مه ۱۹۱۹ تعداد قابل توجهی از دانشجویان در جنبشی تحت عنوان جنبش چهارم ماه مه علیه قرارداد صلح و رسای که امتیازات سابق آلمان (در ایالت شاندونگ) را به صاحب اصلی آن یعنی چین عودت نداده بلکه آنها را به يك قدرت امپریالیستی دیگر یعنی ژاپن واگذار کرده بود دست به قیام زدند و موفق شدند دولت را به عدم اجرای آن قرارداد و اخراج سه وزیر که پیمان

معروف مانو که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ سرچشمه می‌گیرد» رجوع کرد. ولی سنوآل اینجا است که آیا «دانگ» که فعلاً سوار بر بیر ارتش است می‌تواند از آن بیر پائین بیاید و قطعه قطعه نشود؟

کشتار عظیم یکشنبه چهارم ژوئن ۱۹۸۹ نتیجه مستقیم تلاشهای دانگ برای حفظ قدرت در جدال فرسایشی در کادر رهبری چین بود. به هم‌ریختگی اوضاع زمانی آشکار گردید که رهبران سالخورده کادر رهبری چین در اجراج رسمی «جاء» از حزب شکست خوردند. آنها درصدد بودند او را فردی ضدانقلابی قلمداد کنند ولی با سکوت و حتی آشکارا با پاسخ منفی مواجه گردیدند. «پکن» با انتشار سندی که نشان دهنده اختلاف شدید در کادر رهبری چین بود با مشکل بزرگتری روبرو گردید و تزلزل آنرا علنی تر کرد. اضافه بر مشکلات مذکور، مطرح شدن مجدد چهارنفر از انقلابیون هشتاد و چند ساله بخصوص «چن یون» اقتصاددان و «لی شین‌نین» رئیس جمهور سابق چین، نشانه آن بود که «دانگ» برای کنار گذاردن «جاء» خواهان حمایت کسانی است که قبلاً بدلیل مخالفت با سیاستهای اقتصادی خود او کنار گذاشته شده بودند. برخی از تحلیل‌گران بر این باور بودند که «دانگ» کنترل خود را بر «گروه سالخوردگان» (نامی که بر افرادی مثل «چن یون»، «لی شین‌نین» و «پنگ چن»^(۲۰)) شهردار اسبق پکن و رئیس سابق کنگره ملی خلق چین نهاده‌اند از دست داده و حال می‌خواهد از آنها استمداد نماید.

استراتژی «دانگ» برای کنار گذاشتن «جاء» با موفقیت روبرو شد و در تمام طول هفته پس از کشتار «تین آن‌من» اعلامیه‌های حزبی جوی غل برکناری غیررسمی «جاء» پخش شد. «پنگ شنگ کون»^(۲۱) رئیس جمهور فعلی چین و مجری طرح سرکوب چهارم ژوئن در یکی از اعلامیه‌ها عنوان کرده بود که «جاء» بدلیل عدم حمایت از سرمقاله روزنامه خلق که دانشجویان را ضدانقلاب می‌خواند و نیز نبودن به دیگر اعضای دفتر سیاسی برای حمایت از حکومت نظامی، خطاکار است.

روزنامه‌های هنگ کنگ که حاوی بهترین و دقیقترین اخبار در مورد چین هستند، اعلام داشتند که آماج اصلی «گروه سالخوردگان» شخص «دانگ» است نه «جاء» و هدفشان آنست که دانگ را از اریکه قدرت پائین بکشند و «پنگ» را جایگزین وی نمایند. سایر تحلیل‌گران نظرات روزنامه‌های هنگ کنگ را به عنوان مطالبی جنجالی رد می‌کردند و مدعی بودند که دانگ شخصاً دشمن شماره یک دانشجویان بوده و هست و اگر وی در سرکوب جنبش ظاهراً از خود سستی نشان داده صرفاً بدلیل عدم انسجام و به هم‌ریختگی اوضاع در حزب بوده است. کشتار یکشنبه بدون حمایت مستقیم جناح بر قدرت نظامی چین که به «پنگ»، «لی»، و «پنگ» وفادارند نمی‌توانست انجام گیرد. تعداد زیادی از ناظران سیاسی در چین بر این عقیده هستند که «پنگ» نقش اصلی را در سرکوب جنبش برعهده داشته و به عنوان نفر دوم در کمیسیون نظامی مرکزی، نقش اول صدر هیئت رئیسه کمیسیون مزبور یعنی «دانگ» را که فرمانده کل قوا هم محسوب می‌شود ایفاء کرده است. «پنگ» با گماشتن افراد مورداطمینان خود در پست‌های حساس در ارتش صاحب نفوذ فوق‌العاده‌ای گردیده است. یکی از واحدهائی که در عملیات میدان «تین آن‌من» شرکت داشت تحت فرماندهی «پنگ بای پنگ»^(۲۲) برادر رئیس جمهور «پنگ» بود. اگر «دانگ» قدرت خود را از دست بدهد یا فوت کند و در صورتی که اوضاع برچنین منوال باشد «پنگ» به احتمال زیاد صدرات کمیسیون نظامی مرکزی را برعهده گرفته و مرد قدرتمند چین خواهد شد.

دولت و حزب بلافاصله پس از سرکوب یکشنبه چهارم ژوئن ۱۹۸۹ به تبلیغات وسیعی دست زدند و می‌خواستند اینطور وانمود نمایند که دانشجویان یک گروه شورشی ضد انقلاب وابسته به خارج بوده‌اند. ولی تبلیغات آنها ناموفق بود چرا که در جریان جنبش دانشجویی پیوند عمیقی بین روشنفکران چین و توده‌های مردم ایجاد شده بود. در اینجا باز هم باید یادآوری کنیم که، جنبش دانشجویان صد در صد اصیل نبود و عناصری فرصت طلب در میان آنها رسوخ کرده بودند، ولی نباید یک جنبش نسبتاً اصیل را بدلیل وجود چند نفر وابسته تخطئه کرد.^(۲۳)

در طول تاریخ چند هزار ساله چین قتل عام‌های بسیاری رخ داده، میلیونها نفر بدلیل خودکامگی امپراتوران چین از گرسنگی و فقر به ورطه نیستی کشانیده شده‌اند، شهرهائی بوسیله جنگ سالاران و مهاجمین کلا با خاک یکسان شده و مردم آن شهرها قتل عام گردیده‌اند، ولی تا یکشنبه چهارم ژوئن همه این حوادث به فراموشی سپرده شده بود و هیچ کس فکر نمی‌کرد که باز هم تاریخ چین شاهد چنین فجایعی باشد. شوک حاصل از کشتار یکشنبه پس از مدتی از بس می‌رود ولی خاطره تلخ آن باقی خواهد ماند.

بلافاصله پس از سرکوب و کشتار عظیمی که در پکن صورت گرفت، حکومت به خشونت دیگری دست زد و دوره جدیدی از وحشت را بر چین مستولی کرد. موج بزرگی از دستگیری و هجوم به خانه‌های مردم آغاز گردید

و در مدت کوتاهی تعداد زیادی از معترضین دستگیر شدند. در یک نمایش بی سابقه یازده نفر از آنها به اعدام محکوم گردیدند و حکم اعدام آنها بلافاصله به اجرا گذاشته شد.^(۲۴) عده‌ای از معترضین بخصوص رهبران آنها از کشور فرار کردند و در ممالک خارجی پناه گرفتند. همچنین ایالات متحده در یک واکنش سریع اعلام داشت که آماده است ویزای اقامت چهل هزار دانشجوی و پژوهشگر چینی را که در امریکا مشغول به تحصیل هستند تمدید نماید و سفارت امریکا در چین به «فانگ لی چه»^(۲۵) دانشمند و ستاره شناس معروف چین، و همسرش در محل سفارت موقتاً پناه داد. «فانگ» را برخی «ساخاروف» چین نامیده‌اند و در حقیقت وی یکی از رهبران و امیدهای دانشجویان میباشد. حزب کمونیست چین که هم اکنون دارای چهل و هفت میلیون عضو می‌باشد، اعلام داشت که تمام اعضائی که در آشوب و بلوای ضد انقلابی شرکت داشتند مورد تصفیه قرار خواهند گرفت و برای کسانی که قانون شکنی کرده‌اند علاوه بر اخراج از حزب، تعقیب کیفری هم در نظر گرفته خواهد شد. شهر شانگهای بدنبال حادثه برخورد قطار با تظاهرکنندگان که باعث کشته شدن تعدادی از آنها و به آتش کشیده شدن قطار توسط جمعیت خشمگین گردید متشنج شد و بازماندگان کشتار «تین آن‌من» نیز به تظاهرات آرام دست زدند. شهر شانگهای به صورت پناهگاهی برای دانشجویان که توانسته بودند، از حوادث پکن جان سالم بدر ببرند، درآمده بود. ولی در کوتاه مدت نه شانگهای و نه دیگر شهرهای چین مکان‌های امنی برای معترضین فراری نبود. پلیس خانه به خانه آنها را تعقیب می‌کرد و تقریباً تمامی کسانی که مرتکب فعالیت‌های ضد انقلابی شده و در کشور بسر می‌بردند دستگیر شدند. حکومت چین همه روزه در رادیو و تلویزیون شماره تلفن‌هایی را در اختیار عموم قرار می‌داد که متخلفین را معرفی نمایند و پاداش دریافت نمایند ولی این شوگرد با استقبال روبرو نشد. این امر خود نشان دهنده میزان رشد سیاسی مردم چین است که حتی با سرکوبی و کشتار نیز نمی‌توان آن را مهار کرد.

بخشی از سرکوب بوسیله «پلیس شبه نظامی مسلح خلق»^(۲۶) که تحت کنترل «چیا شی»^(۲۷) رئیس امنیتی حزب است صورت گرفت. او کسی است که حتی در اوایل برخی وی را جانشین احتمالی «جاء» تلقی می‌کردند چرا که هم از راستگرایان تندرو در حزب محسوب میشود و هم شدیداً طرفدار سرکوب دانشجویان بوده است.

«دانگ» پس از بازگشت از سفر خود به «بی‌داخه» محل استراحت رهبران حزب، در جلسه‌ای که جریان آن مستقیماً از تلویزیون پخش گردید از حمایت کسانی صحبت میکرد که چهار سال پیش در همین میدان تین آن‌من «مانو» را مورد پشتیبانی قرار داده بودند و حال نیز به همان تاکتیکهای چهار سال پیش متوسل گشته بودند. در راس آنها «پنگ شنگ کون» ۸۲ ساله رئیس جمهور تشریفاتی کشور و پدرخوانده برخی از جناحهای مهم ارتش، «وانگ جن»^(۲۸) ۸۱ ساله معاون رئیس جمهور، «وان لی»^(۲۹) ۷۳ ساله رئیس کنگره ملی خلق و «پنگ جن»^(۳۰) ۸۷ ساله رئیس سابق کنگره ملی خلق و شهردار پکن در اوایل انقلاب فرهنگی و از نخستین تصفیه شدگان آنزمان قرار داشتند. این اشخاص فعلاً در ائتلافی شکننده با «دانگ» شرکت دارند، ولی بغیر از اتفاق نظر حزبی در مورد سیاست سرکوب، همسویی چندانی با وی ندارند. در این اجلاس «جاء زی پنگ» و «خو چیلی»^(۳۱) که در برخی مواقع در کمیته ۵ نفری اصلی دفتر سیاسی حزب از «جاء» حمایت کرده بود حضور نداشتند. ولی «لی پنگ» شصت ساله که احتمالاً در آینده قربانی همین حرکت اشتباه سرکوب خواهد شد و «چیا» رئیس امنیتی حزب حاضر بودند و دانگ را مورد حمایت قرار دادند.

چین آستان حوادث زیادی در درون کادر رهبری و ائتلاف شکننده موجود میباشد و باید مسائل آن کشور را به دقت دنبال کرد چرا که چین سالهای پرفراز و نشیبی را در آینده‌ای نه چندان دور در پیش رو خواهد داشت. «دانگ» مثل «مانو» جانشین ندارد و پس از او درست مثل دوران بعد از مانو کشور با یک دوره بی نظمی روبرو خواهد شد و جنگ قدرتی بروز خواهد کرد که طی آن به احتمال زیاد «جاء» قدرت را بدست خواهد گرفت. «جاء» با موضع گیری حساب شده آینده‌ای روشن برای خود ترسیم کرده است.

در پایان لازم است به چند پرسش پاسخ بگوئیم. اول اینکه چرا تقریباً هیچکس حمام خون پکن را پیش بینی نمی‌کرد. ظواهر همیشه فریبنده است، چنین می‌نمود که چین در راه شکوفائی و توسعه قدم بر می‌دارد، اقتصادش رونق بسیار داشت، به ظاهر یک «رنسانس فرهنگی» در جریان بود، چینی‌های مهاجر از تحولات کشورشان ابراز غرور میکردند و اصلاحات اقتصادی «دانگ شیپینگ» کاملاً از گورباچف جلوتر بود ولی متخصصین واقف بودند که فراز و نشیب‌هایی پیش‌رو خواهد بود. تبدیل شدن یک سیستم کمونیستی به نظامی مبتنی بر بازار نمی‌تواند کار بی درد سر و آسانی باشد، معهذاً هیچ کس (متخصصین چین

شناس) چه در داخل چین و چه در خارج چنین عقب گردی را پیش بینی نمی کرد.

رهبری کشور یکبارچه نبود، بین اصلاح طلبان و محافظه کاران صف بندی وجود داشت، تلاش برای جانشینی «دانگ» آغاز شده بود، دولت مرکزی با کسری بودجه بالایی روبرو بود، صادرات چین بمراتب کمتر از واردات آن بوده و آن کشور در سال گذشته کسری موازنه پرداختی برابر با سه میلیارد و پانصد میلیون دلار داشته است، جمعیت شهری از فساد و پارتی بازی در میان کادراهای دولتی و حزبی و ارتشی بسیار ناخشنود بود، تورم که سالیان دراز مهار شده و کم سابقه یا بهتر است بگوئیم بی سابقه بود باعث نارضایتی اکثریت طبقه متوسط با درآمدهای ثابت شده بود. با این وجود، چین شناسان این گونه سرکوب و برگشت به عقب را پیش بینی نمی کردند. برای این امر دلایلی وجود دارد. اول اینکه کادر رهبری چین بیش از آنچه تصور می رفت دچار تفرقه و چندگانگی بود. از فوریه ۱۹۸۹ «دانگ» اعتماد و اطمینان خود را به «جاء» از دست داده و بین «جاء» و «لی» نیز دشمنی شدیدی ایجاد شده بود. رهبران متفرق نتوانستند بر مسئله چیره شوند و حتی باعث گسترش آن شدند. برخی بر این نظرند که اختلاف در درون کادر رهبری باعث افزایش اعتراض در میان دانشجویان گردیده و عده ای حتی کل جنبش را یک جنگ قدرت میان کسانی میدانند که میخواستند در جهت استحکام پایه های نفوذ خود برای جانشینی «دانگ» از آن استفاده کنند.

دلیل دیگری که می توان عنوان کرد آنست که اصلاحات سیاسی در رده های بالا کاملاً سطحی بوده و عمق لازم را نداشته است. قدرت هنوز بیشتر در دست افراد بود تا نهادها و روند مورد قبول برای حل و فصل مشکلات به مجردیکه مسئله قدرت به میان می آمد کنار گذارده میشد و همان روش های شخصی و به اصطلاح مانوئیستی مورد استفاده قرار میگرفت. زمانی که جنگ قدرت در میگرفت، رهبران به تشکیل گروه های درون حزبی دست زده و به مبارزه با جناح مخالف می پرداختند و این تداعی کننده دوره انقلاب فرهنگی در چین میباشد. همانطور که گفته شد «دانگ» مانند «مانو» از ایجاد آینده ای روشن برای دوران پس از مرگ خود ناتوان بوده و نتوانسته است جانشین دلخواهی را مشخص و از وی حمایت کند.

ثالثاً، فاصله ای که از لحاظ سلیقه و طرز تفکر بین اعضای هشتاد و چند ساله کادر رهبری و جوانان چین که به تازگی با دنیا آشنا شده اند وجود دارد بسیار زیاد است و چین شناسان تا حدودی از آن غافل بوده اند. آنان میزان و حدود دلبستگی رهبران سالخورده چین را به زندگی سابق و شیوه های کهن کاملاً دریافته بودند و نمی توانستند کینه پنهانی را که در قلب سالخوردگان حاکم نسبت به اصلاحات وجود داشت احساس نمایند. رهبران پیر و محافظه کار چین قادر به درک این نکته نبودند که وارد کردن تکنولوژی پیش رفته و سرمایه خارجی، الزاماً همراه با تغییرات سیاسی و فرهنگی خواهد بود. و بالاخره به عنوان آخرین دلیل می توان به این مطلب اشاره کرد که ورود چین به شبکه ارتباطات بین المللی باعث تحول سیاست های چین شده بود. شبکه های زیرنویسها:

- 1- Hu Yaobang 2- Hua Guofeng 3- LiPeng 4- Zhao Ziyang
- ۵- «جونگ - ن های» در خیابان اصلی یکن و نزدیکی میدان «تین - ان - من» قرار دارد و شدیداً از آن حفاظت می شود.
- ۶- «دنگ» دارای هیج بست حزبی و دولتی غیر از مقام صدر هیئت رئیسه کمیسیون نظامی مرکزی نیست.
- 7- Deng Xiao ping 8- Lhasa
- 9- Xinhua News Agency, May 20th, 1989.
- ۱۰- دولت چین فرانسه را برای پناه دادن به این دانشجوی سال اول دانشگاه عمومی یکن به یاد انتقاد گرفته است و فرانسه را هم با آمریکا، انگلیس و هنگ کنگ در ارتباط با خروج رهبران جنبش دانشجویی محکوم و تاکید نموده که آن کشورها چهارمیلیون برای امر فوق خرج کرده اند.
- 11- Wan Li
- ۱۲- البته به غیر از دوره ای در اواخر دهه ۱۹۶۰ که به کودتای «لین بیانو» منجر گردید. برای مطالعه بیشتر به کتاب اینجانب تحت عنوان «انقلاب چین» (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۶۵) مراجعه کنید.
- 13- Beida He 14- Sichuan
- ۱۵- تنوری دوگانه (اصول مثبت و منفی) مربوط به یک مکتب باستانی چین است که بر اساس آن Yin (یین) و Yang (ینگ) دو نیروی مکمل همه هستی و واقعیت جهان می باشند. «یین» شامل آسایش زن، سرما و زمین است و «ینگ» به پویش مرد، گرما و آسمان اشاره دارد. این دو نیروی منفی و مثبت توأماً زاینده همه زندگیها و تلاشها هستند.
- ۱۶- چهارمین و جدیدترین قانون اساسی جمهوری خلق چین که در سال ۱۹۸۲ تصویب شد و دارای ویژگیهای قابل ملاحظه ای است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به کتاب حکومت و سیاست در چین نوشته دکتر بهزاد شاهنده و علیرضا طبیب (جهاد دانشگاهی ۱۳۶۸).

خبری خارجی در بعد بسیار وسیع و کم سابقه ای برای ارسال اخبار و تصاویر دیدار تاریخی رهبر شوروی از چین در این کشور و به خصوص در یکن جمع شده بودند. چنین بود که خبرنگاران خارجی میدان «تین ان من» را به اطافهای نشیمن مردم در سراسر دنیا بردند. دانشجویان چینی در امریکا از طریق دستگاههای فاکس (۳۲) معترضین در داخل چین را در جریان اخبار و واکنش های جهانی نسبت به اعتراضات آنها قرار میدادند و برای اینکه معترضین بتوانند بیشتر جلب نظر کنند، تاکتیکهای جدیدتری را به آنها می آموختند.

جهان کمتر طفیانی با این ابعاد و سرکوبی در این حد را در تلویزیون دیده بود. دانشجویان و رهبران چین درست به یک اندازه قربانی ماشین های تبلیغاتی جهانی شدند.

چین در ده سال گذشته به مراتب کمتر از آنچه ظواهری مثل آسمانخراش های یکن و شرکتهای مختلط چینی و خارجی به ذهن متبادر می سازد عوض شده است. صدها سال است که ارتش نقش اصلی را در جنگ قدرت سیاسی ایفاء کرده است. غرش تانکها در یکن خاطر نشان ساخت که در بس ظاهر، هنوز هم چیز مثل گذشته است و دنیا باید خود را آماده کند که دست کم در کوتاه مدت با همان چین کهنه و قدیمی به معامله سیاسی و اقتصادی و..... بپردازد. احتمال اینکه محافظه کاران بتوانند مدتی طولانی بر اریکه قدرت باقی بمانند، یا اینکه سرکوب توانسته باشد بیوند مردم را با یکدیگر از بین ببرد، بسیار کم است. راه چین ادامه خواهد یافت، هر چند با وقفه ای کوتاه.

به عنوان سخن آخر در اثبات مسائل مطرح شده در فوق مبنی بر شکستنده بودن ائتلاف رهبری در چین، می توان گفت که کادر رهبری چین بدلیل عدم توافق در مورد انتخاب جانشین «جاء زی ینگ» از میان اعضای کمیته اصلی دفتر سیاسی حزب، مجبور شد فردی را خارج از این گروه یعنی «جیانگ زمین» (۳۳) شهردار و رئیس حزب کمونیست شانگهای را به جانشینی وی انتخاب نماید. این شخص دست کم در کوتاه مدت یعنی تا زمانی که طرفین درگیری در کادر رهبری چین بتوانند مجدداً صف آرایی کرده و مهره مطلوب خودشان را به کرسی ریاست حزب بنشانند، مورد قبول همگان است. مسئله انتخاب «جیانگ»، گزینش «خوگوفانگ» (۳۴) را به عنوان نخست وزیر در فوریه ۱۹۷۶ پس از مرگ «چون لای» (۳۵) تداعی می کند. در آزمون که مانو تقریباً اختیاری از خود نداشت و به علت بیماری شدید بستری بود، بدلیل عدم موافقت گروه چهار نفره با انتخاب «دانگ شیاء ینگ» معاون اول نخست وزیر وقت به جانشینی «چو»، و مخالفت گروه طرفدار «دانگ» با انتخاب یکی از اعضای گروه چهار نفره و یا طرفداران آنها به این مقام، «خوگوفانگ» که شخصیتی نسبتاً کم سابقه و بی تجربه در مسائل سیاسی و حزبی بود به نخست وزیری رسید. سرنوشت بعدی «خوا» خود گواهی است بر آینده ای که انتظار «جیانگ» را می کشد.

- ۱۷- کلاه های بوقی در چین در دوران انقلاب فرهنگی مرسوم گردید. در آن هنگام چنین کلاه هایی را بر سر افراد فاسدی که مرتکب جرمی شده بودند می گذاشتند و بانوشته ای بر کلاه و انداختن تابلونی بر گردنشان که حاوی جملات معروف ضدانقلابی آنها بود، آنها را در خیابانها می گرداندند و بی آبرو می کردند.
- ۱۸- برای مطالعه بیشتر بنگرید به کتاب «انقلاب چین» نوشته اینجانب.
- ۱۹- لازم به تذکر است که در چین اجساد را در کوره های آتش می سوزانند و فقط برای چینی های معتقد به ادیان الهی مراسم تدفین انجام می شود.

- 20- Peng Zhen
- 21- Yang Shang Kun
- 22- Yang Baibing
- ۲۳- در جریان انقلاب فرهنگی چین بخصوص اوایل آن (۱۹۶۶-۶۹) تعدادی از حامیان و اجیر شدگان «لیوشانوجی» و «دنگ شیاء ینگ» که از اساس با جریان انقلاب فرهنگی و اعمال گاردهای سرخ مخالف بودند با بستن بازو بند گاردهای سرخ در میان آنها رسوخ کرده و حتی از آنها هم انقلابی تر شده بودند.
- ۲۴- اعدام در چین بعد از انقلاب امر نادری بوده و فقط معدود کسانی که آرامش اجتماعی را بهم زده بودند مثل اشخاصی که از بابت بمب گذاری ایستگاه راه آهن گناهکار شناخته شده بودند به اعدام محکوم گردیده اند.
- 25- Fang Lizhi
- 26- Paramilitary Peoples Armed Police
- 27- Qiao Shi
- 28- Wang Zhen
- 29- Wan Li
- 30- Peng Zhen
- 31- Hu Qili
- 32- Fax Machine
- 33- Jiang Zemin
- 34- Hua Guofeng
- 35- Zhou Enlai